قیام مردمی هرات یا انقلاب مردمی علیه دولت خلقی

قیام ٢٤ حوت ١٣٥٧ (مطابق مارچ ١٩٧٩) در شهر هرات افغانستان یکی از نخستین و بزرگترین قیام های مردمی بر ضد رژیم کمونیستی مورد حمایت شوروی بود . این خیزش چند روزه که به **قیام ٢۴ حوت** نیز شهرت دارد، با پیوستن بخشی از نظامیان اردو افغانستان به مردم، کنترل موقت شهر هرات را به دست قیام کنده گان درآورد. سرانجام دولت افغانستان با خشونت شدید این قیام را سرکوب کرد که به کشته شدن هزاران غیرنظامی انجامید . اهمیت تاریخی این رویداد از آن جهت است که زنگ خطری جدی برای دولت دستنشاندهٔ کابل و حامیان شوروی آن بود و در تصمیم بعدی شوروی برای **اشغال نظامی افغانستان در دسامبر ١٩٧٩** بی‌تأثیر نبود.

اصلاحات افراطی حکومت کمونیستی پس از کودتای ثور ١٣٥٧، مهمترین عامل نارضایتی مردم بود. حکومت "خلق" به رهبری نورمحمد تره‌کی برنامه‌هایی مانند **اصلاحات ارضی اجباری** را اجرا کرد که با سنت‌های جامعه و اصول اسلام در تضاد بود و حتی در بسیاری مناطق به وخامت معیشت دهقانان انجامید . همچنین رژیم جدید دست به **سرکوب گستردهٔ رهبران مذهبی و بزرگان سنتی** زد که خشم مردمان متدین را برانگیخت .

از سوی دیگر، اجرای برنامه‌های اجتماعی شتابزده مانند **صنف های سوادآموزی مختلط** (حضور همزمان زنان و مردان در یک صنف) در جامعهٔ محافظه‌کار افغانستان غیر اسلامی محسوب می‌شد و مقاومت شدید سنتگرایان را در پی داشت . افزون بر این، رژیم خلق از آغاز با **تصفیه‌های خونین و سرکوب مخالفان سیاسی** همراه بود که فضای بی اعتمادی و نارضایتی عمومی را گسترش داد . مجموع این عوامل باعث شد از اواخر ١٩٧٨ میلادی/١٣٥٧ خورشیدی شعله‌های اعتراضات خودجوش در ولایات مختلف افغانستان زبانه بکشد و هرات در حوت ١٣٥٧ به کانون بزرگترین مبارزین ضد کمونست علیه حکومت تبدیل شود .

قیام هرات در ٢۴ حوت ١٣٥٧ با **خیزش مردمی** گسترده و با رنگوبوی مذهبی آغاز شد. از صبح ١۵ مارچ ١٩٧٩ (برابر با ٢۴ حوت) گروه‌های بزرگی از مردم اطراف هرات در مساجد گرد آمدند و پس از سخنرانی روحانیون (ملاها)، با سردادن صدای تکبیر به سوی مرکز شهر هرات راهپیمایی کردند . به محض ورود مظاهره کنندهگان به شهر، بسیاری از مردم هرات به آنان پیوستند و ساختمان‌های دولتی، مراکز حزبی و نمادهای حکومت کمونیستی را مورد حمله قرار دادند . تظاهرکنندگان عمدتاً سلاح گرم سازمان‌یافته‌ای نداشتند و در مواردی با **ابزار ساده‌ای چون چوب و کلنگ** به نبرد نیروهای حکومتی رفتند . با گسترش آشوب، نیروهای محدود حکومت در شهر پراکنده یا خلع سلاح شدند و ادارهٔ هرات عملاً به دست مردم افتاد. برخی گزارش‌ها حاکی از هرج‌ومرج طی این دوره است که در آن گروه‌هایی از مبارزین به جستجوی مامورین حکومت (از جمله **معلمان کمونیست**) پرداخته و تعدادی از آنان را به قتل رساندند . در این میان حتی چند تن از **مشاوران نظامی شوروی** که در هرات حضور داشتند نیز کشته شدند (هرچند آمار دقیق ان روشن نیست).

نقش نظامیان در این قیام بسیار تعیین‌کننده بود. رژیم کابل ابتدا برای سرکوب اعتراضات، **فرقهٔ ١٧ ارتش مستقر در هرات** را مأمور کرد، اما این اقدامی اشتباه بود زیرا اغلب این عساکر وابستگی چندانی به جناح خلق نداشتند . در روزهای آغازین قیام، بخش بزرگی از همان نیروهای اردو **دست به قیام زده و به مردم پیوستند** . روز ٢۶ حوت ١٣٥٧ (سومین روز قیام) تعدادی از افسران فرقه ١٧ تعداد بزرگ مهمات و جنگ‌افزارهای جنگ را بین قیام‌کنندگان توزیع کردند . بدین‌ترتیب مردم مسلح‌شده به کمک نظامیان قیام کننده گان، مقام های باقی‌ماندهٔ وفادار به دولت را هدف قرار دادند و تقریباً تمامی شهر هرات را به تصرف درآوردند . در این زمان **رهبری واحدی** بین قیام کننده گان موجود نبود.

طی حدود یک هفته حاکمیت قیام کننده گان بر ولسوالی‌های اطراف نیز سرایت کرد و تقریباً تمامی ولسوالی‌های ولایت هرات به جز دو مورد (اوبه و پشتون‌زرغون) به دست مردم افتاد یا صحنهٔ درگیری شد .

خبر سقوط هرات، دولت مرکزی را در کابل به شدت سراسیمه کرد. حکومت تره‌کی ابتدا از شوروی **تقاضای کمک فوری نظامی** برای سرکوبی مردم هرات را نمود. تره کی از مقامات شوروی تقاضا نمود عساکر اسیا میانه را در لباس عساکر افغانی بفرستند ، اما مسکو در آن لحظه اعزام نیروی زمینی را نپذیرفت (کاسیگین نخست‌وزیر شوروی هشدار داد دخالت مستقیم به معنی جنگیدن با خود مردم افغانستان است). در نتیجه، رژیم کابل ناچار شد به اتکای قوای خود، قیام هرات را سرکوب کند.

حفیظالله امین که در آن زمان مرد نیرومند دولت به شمار می‌رفت، پس از مشاهدهٔ نافرمانی لشکر ١٧،عساکر قابل اعتمادی را از سایر مناطق روانهٔ هرات کرد . دو کندك زرهی از کابل (پل‌چرخی) اعزام شدند، اما چون مسافت طولانی بود، امین به **جنرال سید مُختَرم** قوماندان قرارگاه قندهار دستور داد هرچه سریع‌تر با قوای زرهی به سمت هرات حرکت کند . این نیروی کمکی شامل حدود ٣٠ تانک و ٣٠٠ عسکر، صبح ٢٠ مارچ ١٩٧٩ به نزدیکی هرات رسید و برای فریب دادن مردم، عساکر دولتی بیرق های سبز برافراشتند و قرآن کریم را به دست بلند کردند . بسیاری از مدافعان و مردم شهر گمان کردند نیروهای کمکی دیگری از اردو به آن‌ها پیوسته‌اند و به ستون زرهی اجازه ورود دادند . بدین ترتیب نیروهای حکومت بدون مقاومت جدی وارد شهر شده و **هرات را دوباره به تصرف خود درآوردند** .

پس از بازپس‌گیری هرات، حکومت برای درهم شکستن کامل قیام کننده گان دست به **انتقام خونین** زد. واحدهای وفادار به رژیم، شهر را کاملاً پاکسازی کرده و **بمباران‌های گسترده‌ای** را علیه مناطق اطراف هرات انجام دادند. جنگنده‌بمب‌افکن‌های از پایگاه هوایی شین‌دند بی‌وقفه هرات را گلوله‌باران کردند . بخش‌های زیادی از شهر تخریب شد و شمار زیادی از اهالی غیرنظامی در این حملات کشته شدند . تا **روز پنجم قیام** (۲۷ حوت/۱۸ مارچ) مقاومت سازمان‌یافتهٔ نیروهای مردمی درهم شکسته بود، جنگجویان پراکندهٔ باقیمانده تلاش کردند با **عقب‌نشینی به کوه ها و اطراف برای جنگ های اینده امده شوند.**

ابعاد سرکوب هرات بسیار سنگین بود و این شهر به نمادی از قیام خونین بدل شد. منابع مختلف، آمار متفاوتی از **تلفات غیرنظامیان** ارائه داده‌اند. حداقل چند هزار تن در این خیزش مردمی و سرکوب متعاقب آن جان باختند؛ گزارش‌های تاریخی شمار قربانیان را تا **۲۴ تا ۲۵ هزار نفر** ذکر نمده اند . در هر صورت، حتی پایین‌ترین برآوردها نیز این رویداد را به مرگبارترین واقعه افغانستان طی پنجاه سال قبل از آن مبدل می‌سازد . بسیاری از کشته‌شدگان از مردم عادی (شامل زنان و اطفال) بودند که در جریان بمباران‌ها جان باختند . همچنین صدها تن از افراد مربوط به قیام پس از دستگیری **اعدام صحرایی** شدند؛ بنا بر برخی گزارش‌ها، نیروهای دولتی در روزهای بعد از سقوط هرات حتی **صدها نفر از دستگیرشدگان را زنده به گور کردند** . شواهدی که سال‌ها بعد به دست آمد این روایات را تأیید می‌کند؛ از جمله در سال ۱۹۹۲ یک **گور دسته‌جمعی** حاوی حدود ۲،۰۰۰ جسد متعلق به قربانیان سرکوب هرات کشف گردید . به دلیل همین کشتار کم‌سابقه، مجاهدین بعدها از هرات با عنوان نمادین **«شهر خون و قیام»** یاد می‌کردند . افزون بر تلفات انسانی، **نیمی از ساختمان‌ها و مراکز دولتی شهر هرات** در طی درگیری‌ها و بمباران‌ها ویران شدند و خسارات سنگینی به زیرساخت‌های شهری وارد آمد.
قیام خونین هرات در بهار ۱۳۵۷ به روشنی نشان داد که دولت کمونیستی افغانستان **با بحران جدی مشروعیت و ثبات** روبرو است و بدون اتکا به نیروی خارجی قادر به حفظ خود نیست . مقامات شوروی که تا پیش از آن تحولات کابل را یک پیروزی برای خود می‌پنداشتند، با دیدن ابعاد قیام هرات دچار نگرانی عمیق شدند. در جلسه فوق‌العادهٔ ۱۷ مارچ ۱۹۷۹، اعضای پولیت‌بوروی کرملین ضمن اذعان به حضور «هزاران شورشی» در هرات، تاکید کردند **«به هیچ وجه نباید افغانستان را از دست بدهیم»** . با این حال، در همان نشست تردیدهایی جدی دربارهٔ رهبری کابل مطرح شد؛ الکسی کاسیگین خاطرنشان کرد که ترهکی و امین واقعیت اوضاع را از شوروی پنهان کرده‌اند و اعزام نیروی شوروی به معنای رویارویی مستقیم با مردم افغانستان خواهد بود . لئونید برژنف رهبر شوروی نیز در تماسی به ترهکی هشدار داد مداخلهٔ نظامی شوروی «نتیجه معکوس» دارد و توصیه کرد حکومت کابل از تندروی در اصلاحات بکاهد و پایگاه مردمی خود را گسترده‌تر کند . در نتیجه، **کرملین در مقطع مارچ ۱۹۷۹ تصمیم گرفت از مداخله مستقیم خودداری کند** و به جای آن کمک‌های غیرمستقیم را افزایش دهد. طی ماه‌های پس از قیام هرات، شوروی **حجم انبوهی اسلحه های سنگین** را برای اردو افغانستان ارسال کرد (از تانک‌های T-62 تا طیارات میگ-۲۱ و هلیکوپتر Mi-24) و شمار **مستشاران نظامی شوروی** را از حدود ۱،۰۰۰ نفر در ابتدای سال ۱۹۷۹ به نزدیک ۵،۰۰۰ نفر تا اواخر آن سال رساند . این اقدامات نشان می‌داد که شوروی پس از هرات دیگر صرفاً نظارهگر اوضاع نبود، بلکه عملاً **درگیر امور داخلی افغانستان** شده است تا از سقوط دولت هم‌پیمانش جلوگیری کند .

با وجود تزریق این کمک‌ها، اوضاع افغانستان رو به وخامت گذاشت و نافرمانی‌های دیگر در اردو افغانستان روی داد (از جمله در جلال‌آباد، غزنی و حتي بالاحصار کابل) که همگی با دشواری سرکوب شدند . همزمان کشمکش قدرت در درون حزب دموکراتیک خلق بالا گرفت. **حفیظالله امین** که پس از هرات موقعیت خود را در دولت تقویت کرده بود ، سرانجام در ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۹ علیه نورمحمد ترهکی دست به کودتا زد و او را از قدرت برکنار کرد (ترهکی مدتی بعد به دستور امین به قتل رسید) . روی کار آمدن امین – که به مراتب تندروتر و غیرقابل‌کنترل‌تر از ترهکی بود – زنگ خطر را برای کرملین بلندتر کرد . امین علاوه بر تشدید سرکوب‌ها و پافشاری بر اصلاحات رادیکال، کوشید رابطه با رقبای شوروی (آمریکا و پاکستان) را نیز بررسی کند ؛ این اقدامات از دید رهبران شوروی خطر رویگردانی کامل کابل از اردوگاه شوروی را به همراه داشت . بدین‌ترتیب در اواخر سال ۱۹۷۹ میلادی، سران کرملین به این جمع‌بندی رسیدند که بدون **مداخله نظامی مستقیم**، حفظ افغانستان و جلوگیری از پیروزی مجاهدین اسلام‌گرا ممکن نخواهد بود . یکی از تحلیل‌گران تاریخ جنگ می‌نویسد: «تأثیر قیام هرات دوگانه بود: از یکسو شکست‌های ذاتی رژیم حزب دموکراتیک خلق و فقدان پایگاه مردمی آن را برملا کرد؛ از سوی دیگر تغییری اساسی در سیاست شوروی نسبت به افغانستان ایجاد نمود» . به بیان دیگر، سران شوروی که در مارچ ۱۹۷۹ مداخله را وتو کرده بودند، در پایان همان به **اقدام نظامی گسترده** روی آوردند .

سرانجام اتحاد شوروی در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ (۳ جدی ۱۳۵۸) نیروهای خود را مستقیماً وارد افغانستان کرد و فصل جدیدی از جنگ آغاز شد . در جریان عملیات موسوم به طوفان-۳۳۳ نیروهای مخصوص شوروی به کابل یورش برده، حفیظالله امین را از بین برد و **ببرک کارمل** (رهبر جناح پرچم که در تبعید بود) را به عنوان رئیس دولت جدید روی کار آوردند . مسکو رسماً اعلام کرد که

با این مداخله قصد دارد روند تندروی حکومت دست نشانده را مهار کرده و از فروپاشی رژیم خلق جلوگیری نماید تا افغانستان به دست نیروهای اسلام‌گرا و دشمنان شوروی نیفتد . به این ترتیب، قیام هرات – به عنوان یکی از عوامل کلیدی بی‌ثباتی افغانستان در سال ۱۹۷۹ – در کنار دیگر تحولات آن سال، نقش مهمی در تصمیم شوروی برای دخالت مستقیم و اشغال افغانستان ایفا کرد. این اشغال هرچند در کوتاه‌مدت موقعیت حکومت کمونیستی را نجات داد، اما در نهایت به جنگی طولانی و منجر به شکست و فروپاشی نظام بأدران خلقی و پرچمی یعنی اتحاد جماهیر شوروی گردید.

سر بلند باد مردم حماسه افرین هرات
شاد باد روح شهدای قیام هرات
ازاد و سر بلند باد افغانستان عزیز